

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



روایتی از

# همایش یادگار

(روزشمار، مقالات و سخنرانی‌ها، عکس‌ها و اسناد)

محمد امین شهنازی

انتشارات ارسطو  
(چاپ و نشر ایران)  
۱۴۰۲

سرشناسه: همایش یادگار (۱۳۸۶: خاش)  
عنوان و نام پدیدآور: روایتی از همایش یادگار روزشمار، مقالات و سخنرانی‌ها،  
عکس‌ها و اسناد/ محمدامین شهنوازی.  
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.  
مشخصات ظاهری: ۱۹۹ص: مصور (رنگی)، جدول.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۶۰۹-۴: ۲۰۰۰۰۰۰ ریال  
وضعیت فهرست نویسی: فیپا  
موضوع: یادگاری، عبدالحسین، ۱۳۸۵-۱۳۲۱. -- کنگره‌ها  
موضوع: همایش یادگار (۱۳۸۶: خاش)  
موضوع: معلمان -- ایران -- سیستان و بلوچستان -- کنگره‌ها  
موضوع: Teachers -- Iran -- Sistan and Baluchestan -- Congresses  
موضوع: نویسندگان ایرانی -- سیستان و بلوچستان -- قرن ۱۴ -- کنگره‌ها  
موضوع: ۲۰th century -- Congresses -- Authors, Iranian -- Sistan and Baluchestan  
شناسه افزوده: شهنوازی، محمدامین، ۱۳۵۵ -، گردآورنده  
رده بندی کنگره: LB۲۸۳۲/۴  
رده بندی دیویی: ۳۷۱/۱۰۰۹۵۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۱۹۶۴۰

نام کتاب: روایتی از همایش یادگار  
مؤلف: محمدامین شهنوازی  
ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)  
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲  
چاپ: مدیران  
قیمت: ۲۰۰۰۰۰ تومان  
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:  
<https://chaponashr.ir/ketabresan>  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۶۰۹-۴  
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)

استفاده از مطالب این اثر با ذکر منبع بلامانع است



انتشارات ارسطو



این کتاب تقدیم می‌گردد به

مہتاب

تنہا یادگار مرحوم استاد عبدالحسین یادگاری



# فهرست مطالب

| شماره صفحه | عناوین                       |
|------------|------------------------------|
| ۹          | مقدمه                        |
| ۱۳         | فصل اول: روزشمار همایش       |
| ۵۷         | فصل دوم: مقالات و سخنرانی‌ها |
| ۱۲۳        | فصل سوم: اسناد و عکس‌ها      |



## مقدمه

شکرگزار تمام توفیقات الهی هستم که به من توان و فرصتی داد تا بتوانم نقشی کوچک در بسط و گسترش فرهنگ و ادب عامه مردم منطقه‌ام بردارم. به نحوه شکل‌گیری و برگزاری همایش «یادگار» در فصل «روز شمار» کتاب حاضر مفصلاً پرداخته شده است، بنابراین از آن عبور می‌کنم. احساسات قلبی‌ام حکایت از آن دارد که برگزاری همایش یادگار در ۲۵ مهرماه سال ۱۳۸۶ مورد رضایت مردم قرار گرفته است!! و امیدوارم این ماحصل مورد عنایت و رضایت خداوند متعال نیز قرار گیرد. پس از گذشت حدود ۱۵ سال تصمیم گرفتم تا به گردآوری و تنظیم مجموعه فعالیت‌های آن ایام جهت چاپ و انتشار اقدام کنم.

همایش یادگار را می‌توان مجموعه کوچکی از اراده و همت مسئولان و جوانانی قلمداد کرد که به رغم کمبودها و کاستی‌های فراوان [که معمولاً در پیش روی چنین مراسم‌هایی قرار دارد] برای برگزاری آن اصرار ورزیدند و برگزارش کردند!!

در این مسیر افرادی هم بودند که خالصانه و دلسوزانه به ما پیوستند و با راهنمایی و مشاوره خود همراهی مان کردند. وظیفه اخلاقی خود می‌دانم تا با نام بردن از بعضی افراد، ادارات و سازمان‌های استانی و کشوری سپاس و قدردانی خویش را از فعالیت و همکاری آنها اعلام کنم. در همایش یادگار بود که یکی از شیرین‌ترین تجربه‌های کاری زندگی‌ام را در یک کار گروهی و دسته‌جمعی به عینه دیدم. برای برگزاری همایش یادگار خیلی‌ها زحمت

کشیدند، اما بودند افرادی که اگر نمی‌بودند، قطعاً برگزاری همایش دچار مشکلات فراوانی می‌شد. مرحوم «واحد عبدالهی» بزرگمردی ساده زیست، بی‌آلایش، اخلاق مدار و مودب از جنس عبدالحسین یادگاری بود که فداکارانه و مخلصانه به میدان آمد و با همتی مضاعف در برگزاری همایش یادگار نقش تعیین کننده ای داشت. جدای از آن مرحوم، حمایت‌های بی‌دریغ سازمان میراث فرهنگی کشور و علی‌الخصوص بچه‌های با مرام پژوهشگرده مردم شناسی کشور از جمله دکتر حسن زاده، دکتر رضوانفر و خانم برهانزهی هم مزید بر علت شد که همایش یادگار برگزار شود. جناب آقای نورالله برشان و همکارانش در مجموعه اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان هم خوب پای کار آمدند و نقش مهمی در برگزاری همایش داشتند. باید اقرار کنم که حضور خانم «پروفسور کارینا جهانی» علاوه بر افزایش وزن علمی همایش، باعث شد تا مردم فرهنگ دوست و فرهنگ مدار خاش استقبال شایان توجهی از ایشان و هم از همایش داشته باشند. نقش ارزنده و بی‌بدیل مجموعه کارکنان مجله ندای اسلام و به ویژه حضور استاد مفتی محمد قاسم قاسمی و همکارانش در همایش قابل تقدیر و ستایش است. همواره قدردان زحمات آقایان مهندس محمدرضا رخشانی (رئیس دانشگاه) و مهندس یونس شهنوازی (معاون دانشگاه) و کلیه همکارانشان در دانشگاه آزاد اسلامی واحد خاش برای میزبانی و پذیرایی در روز اول همایش هستم. اعضای شورای اسلامی شهر خاش در دوره سوم<sup>۱</sup> هم به بهترین شکل ممکن حمایت و همکاری خود را در بهتر برگزار شدن همایش به نمایش گذاشتند.

البته افرادی مثل پروفسور ترکمن زهی، دکتر موسی محمودزهی، دکتر عظیم شه بخش، عبدالواسع پاکزاد، مولوی صلاح الدین شهنوازی، مرحوم قادربخش آبالان، مهندس پناه، نور... کرد، اسماعیل حسین زهی، ایوب کرد، مهندس بهزاد بهادری، ناهید اسمعیل زایی و مهندس رحمدل بامری هم در برگزاری همایش یادگار نقش مهمی داشتند. جا دارد از همکاری و تلاش‌های صمیمانه مجموعه طایفه شهلی بر و به ویژه از زحمات عبدالستار یادگاری و حاج یوسف شهلی بر در بهتر برگزار شدن همایش به نیکی یاد کنم.

۱. اعضای شورای اسلامی شهر خاش در دوره سوم عبارت بودند از: ایوب کرد، بهزاد بهادری، محمد عیدوزهی، یار محمد شهنوازی، عبدالشکور مرادزهی و علی قلندرزی

در کتاب حاضر دو مجموعه عکس با ذکر منبع به چاپ رسیده است که بخش عمده ای از آنها مربوط به ایام برگزاری همایش یادگار و بخش دوم هم مربوط به طرح پژوهشی «بازنگری مردم نگاری های استان سیستان و بلوچستان» است. عکاس هر دو مجموعه عکس جناب آقای نادر سوری است. پروژه بازنگری مردم نگاری استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۸۴ و به سرپرستی منصور مرادی صورت گرفته است.

جا دارد از همکاری بزرگوارانه و صمیمانه جناب آقای دکتر علیرضا حسن زاده (رئیس پژوهشکده مردم شناسی کشور) و جناب منصور مرادی به جهت در اختیار گذاشتن مجموعه عکس های طرح پژوهشی «بازنگری مردم نگاری های استان سیستان و بلوچستان» تقدیر و تشکر نمایم.

جناب دکتر بهروز عمرانی (رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری کشور)، حاج غلامرضا ابراهیمی (از خیرین استان سیستان و بلوچستان)، جناب دکتر موسی محمودزهی (مدرس دانشگاه) و خانم شهین برهانزهی (پژوهشگر، مردم شناس) مساعدت نموده و زمینه چاپ این اثر را فراهم نمودند که بی نهایت سپاسگزار این بزرگواران هستم.

محمدامین شهنوازی

بهار ۱۴۰۲ ه. ش



## فصل اول

# روز شمار همایش

۱۳۸۵/۶/۲۲

مرحوم عبدالحسین یادگاری در غروب ۲۱ شهریور ماه سال ۱۳۸۵ شمسی بر اثر صانحه تصادف خودرویش با شتر در مسیر جاده خاش به زاهدان، بعد از روستای «چاه نلی» و نزدیکی‌های دو راهی روستای «جون آباد» وفات کرد. همسر و سه فرزند خردسال مرحوم که پس از سال‌ها خداوند به وی عنایت کرده بود، همراهش بودند که ایشان و دو دختر خردسالش (هانی و مهناز) در دم جان باختند.

ساعت ۹ صبح روز بعد (۲۲ شهریور) به تلفن همراه من پیامکی با عنوان ذیل آمد: «انا الله و انا الیه راجعون، ضایعه در گذشت نابهنگام دانشمند بزرگ بلوچستان، استاد مرحوم عبدالحسین یادگاری را به جامعه فرهنگی، علمی و عموم مردم استان تسلیت عرض می‌نمائیم.» پس از دریافت این خبر به شماره ارسال کننده پیام زنگ زدم و متأسفانه وی این واقعه تأسف بار را تأیید کرد: من فوراً به سمت خاش حرکت کردم و در مسیر حرکت و تا لحظه رسیدن به قبرستان محمد آباد، افکار مختلفی از خاطرات در کنار مرحوم، در ذهنم خطور می‌کرد. نحوه آشنایی ام با مرحوم از سال ۱۳۷۸ شکل گرفته بود. در آن ایام بارها و بارها به منزل ایشان می‌رفتم و افتخار شاگردی ایشان در مباحث مختلفی از جمله حوزه‌های تاریخ، پژوهش،

روزنامه نگاری و حتی ویراستاری را کسب می‌کردم. در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ در اولین نشریه (هفته نامه) خبری - تحلیلی شهرستان خاش به نام «سرحد» افتخار همکاری با وی همواره برایم خاطره انگیز است. در مدت زمان آشنایی کوتاه مدت خودم با ایشان، دریافتم که ساده زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی مهمترین خصیصه زندگی وی محسوب می‌گردد. در مسیر راه غرق در این افکار بودم که به نزدیک روستای «چاه نلی» رسیدیم، سرنشینان چند خودروی شخصی در کنار جاده توقف کرده بودند و کمی دورتر از جاده اصلی، پراید سفید رنگی مچاله شده‌ای را در سمت راست و شتر ورم کرده‌ای را در سمت چپ جاده تماشا می‌کردند. راننده ما هم کمی از سرعتش کم کرد و سپس به راهش ادامه داد. به خاش رسیدم و مستقیماً به طرف مرکز جماعت تبلیغی خاش (محل تشییع جنازه مرحوم) حرکت کردم.

مرحوم مولوی احمد نارویی امام جمعه (موقت) اهل سنت زاهدان در حال سخنرانی بود. وی در بخشی از سخنانش برای حضار گفت: «مرحوم یادگاری پل ارتباطی علمی منطقه ما با اروپا بود و مرگ ناگهانی وی، این پل ارتباطی را قطع کرد... امیدوارم جوانان برومندی از این خطه بتوانند هر چه سریع‌تر این پل را بازسازی کنند...!»

مراسم تشییع و تدفین با حضور مسئولان، علما و اقشار مختلف مردم فرهنگ دوست استان برگزار شد. در همان روز تشییع جنازه، برگزاری مراسم بزرگداشتی برای آن مرحوم در ذهنم خطوط کرد. با خودم تصمیم گرفتم که از نظر زمانی عجله نکنم و در آینده‌ای دور یا نزدیک این مراسم را به نحو شایسته و آنگونه که در شأن، مقام و منزلت ایشان است، برگزار نمایم.

### تیرماه ۱۳۸۶

برنامه ریزی جهت برگزاری همایش «یادگار» را، از اوایل مردادماه سال ۸۶ به صورت جدی شروع کردم. برای اولین بار پیشنهاد برگزاری این همایش را با اعضای شورای اسلامی شهر خاش (دوره سوم) مطرح نمودم. همه اعضای شورای شهر از برگزاری این همایش استقبال کردند. در آن جلسه اعضا به نقاط ضعف و قوت همایش اشاره و همچنین به نحوه برگزاری همایش پیشنهادهای ارائه دادند. پس از موافقت شورای اسلامی شهر، تصمیم گرفتم

با سایر مسئولان شهرستان خاش هم جلساتی داشته باشم و نظرات آنها را بپرسم و به نوعی بتوانم از آنها کمک و مساعدت‌هایی را جهت بهتر برگزار شدن همایش داشته باشم. در روزهای بعد با مرحوم حجه الاسلام میری امام جمعه اهل تشیع، رحمدل بامری فرماندار، مرحوم واحد عبدالهی (رئیس فرهنگ و ارشاد اسلامی خاش)، مهندس محمدرضا رخشانی (رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد خاش)، علمای اهل سنت، معتمدین، ریش سفیدان و سرداران طوایف مختلف، جلساتی را برگزار کردم و این جلسات تا روزهای برگزاری همایش، بارها تکرار شد.

### مرداد ماه ۱۳۸۶

در این ماه بیشتر وقتم صرف گرفتن مجوزهای لازم برای همایش از طریق اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی بود. جلسات مختلفی برگزار شد و نتایج مطلوبی هم به دست آمد. در جلسه ای که با جناب آقای عبدالهی (رئیس ارشاد خاش) داشتم به عنوان «دبیر همایش یادگار» انتخاب شدم و در همان روز (۸۶/۵/۳۱) به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان جهت هماهنگی‌های مربوطه رفتم. سفر کاری‌ام به زاهدان چند روزی به طول انجامید و در جلساتی که با جناب آقای نورالله برشان (مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان) و معاونینش داشتم، توضیحات کاملی در مورد شخصیت «مرحوم یادگاری» و آثارش ارائه دادم و در خصوص چگونگی برگزاری همایش نیز به توافقاتی رسیدیم.

در زاهدان قراردادی با شبکه تبلیغاتی رسا (نماینده پخش و پذیرش آگهی‌های بازرگانی صدا و سیمای استان) منعقد کردم. عکس، مطالب و محتوای تیزر تبلیغاتی را به شرکت رسا تحویل دادم. پس از گرفتن تخفیف ویژه از شرکت رسا، برای پخش هزینه‌های تلویزیونی فقط توانستیم به مدت ۱۲ مرتبه، این تیزر ۴۵ ثانیه‌ای را یک شب در میان و قبل از خبر ساعت ۸ از شبکه استانی «هامون» پخش کنیم.

تا پایان مرداد جلسات مختلفی را با مسئولان شهر خاش از جمله اعضای شورای اسلامی شهر، فرماندار و رئیس فرهنگ و ارشاد برگزار کردم. نکته بارز و پراهمیت این جلسات،

معمولاً به چگونگی تأمین هزینه‌های مالی همایش اختصاص داشت که همواره نگران این موضوع بودم!

### شهریورماه ۱۳۸۶

در شهریورماه روزهای پرکاری را پشت سر گذاشتم و مسافرت‌های کاری زیادی نصیب من شد! یک مرحله سفر به تهران و چند مرحله سفر به زاهدان از جمله این مسافرت‌ها بود.

### شنبه ۱۳۸۶/۶/۱۰

در این روز طبق برنامه قبلی برای یک سفر کاری چند روزه مربوط به همایش به تهران رفتم. مرحوم یادگاری مدتهای مدیدی به عنوان محقق و پژوهشگر با سازمان میراث فرهنگی کشور همکاری‌های تنگاتنگی داشت و این موضوع باعث شده بود تا امیدوار به همکاری و حمایت سازمان میراث فرهنگی کشور از «همایش یادگار» باشم. از قبل اطلاع داشتم که چند سالی است خانم «شهین برهانزهی» در سازمان میراث فرهنگی کشور مشغول به کار است. صبح روز بعد (۱۱/۶/۸۶) پس از ورود به ساختمان میراث فرهنگی سراغ خانم برهانزهی رفتم. با استقبال گرم وی مواجه شدم. مثل همه ملاقاتها و جلسات، وضعیت کلی همایش را تشریح و سپس خواسته‌ها و نوع همکاری میراث فرهنگی را مطرح کردم. به اتفاق خانم برهانزهی به دفتر دکتر رضوانفر (رئیس پژوهشکده مردم شناسی کشور) رفتیم. پس از توضیحات لازم در مورد همایش، دکتر رضوانفر حمایت و آمادگی پژوهشکده مردم شناسی را از «همایش یادگار» اعلام کرد.

### دوشنبه ۱۳۸۶/۶/۱۲

از آنجا که نیاز به طراحی پوستر همایش داشتیم و از طرفی قرار بود که تمام مراسم دو روزه همایش عکاسی و فیلمبرداری شود، «خانم برهانزهی» دو نفر از مستندسازان با تجربه را

به من معرفی کرد. صبح روز بعد به ملاقات آقایان «نادر سوری» و «مرتضی زرکش» رفتم. پس از گفتگوی طولانی، با این دوستان به تفاهم رسیدم و قراردادی را جهت انجام طراحی پوستر، عکاسی، فیلمبرداری و تدوین مستند همایش منعقد کردم. در پایان با آقای سوری در مورد نوع طراحی پوستر همایش هم صحبت کردم و قرار شد پس از طراحی پوستر، آن را به ایمیل من ارسال کند تا پس از تأیید مسئولان مربوطه، زمینه چاپ و تکثیر آن فراهم گردد. پس از سپری کردن دو روز سخت و پرکار در تهران، فوراً به نزدیکترین آژانس مسافرتی جهت تهیه بلیط برگشت به زاهدان مراجعه کردم!

### یکشنبه ۱۳۸۶/۶/۱۸

امروز به فرمانداری خاش رفتم و در ملاقات با جناب آقای مهندس بامری (فرماندار) در خصوص نتایج سفرم به تهران، به وی توضیحاتی ارائه دادم. از همکاری سازمان میراث فرهنگی کشور خشنود شد و گفت: «شما باید از ظرفیت اداره کل میراث فرهنگی استان و شهرستان نیز نهایت استفاده را ببرید.» در ادامه به دانشگاه آزاد اسلامی واحد خاش رفتم و چون قرار بود مراسم روز اول همایش در این دانشگاه برگزار شود، به اتفاق مهندس رخشانی (رئیس دانشگاه) و مهندس شهنازی (معاون دانشگاه) از ظرفیت‌ها و امکانات آن مجموعه، از جمله سالن همایش‌ها و سلف سرویس بازدیدی به عمل آوردیم و نهایتاً آنها با فراغ بال، از برگزاری روز اول همایش در دانشگاه آزاد استقبال کردند.

### سه شنبه ۱۳۸۶/۶/۲۰

در این روز بیشتر موضوعات همایش را تلفنی پیگیری کردم. خانم «کارینا جهانی» از سالها قبل در حوزه تحقیق و پژوهش و به خصوص زبان‌شناسی «زبان بلوچی» همکاری‌های مشترکی را با «مرحوم یادگاری» داشته بود. و این نقطه اتصال و اشتراکی بود که بتوانم خانم جهانی را به این مراسم دعوت نمایم. تلفن منزل ایشان (در سوئد) را از خانواده مرحوم یادگاری گرفتم. پس از تماس تلفنی و احوالپرسی، خودم را معرفی و در خصوص برگزاری

همایش توضیحاتی ارائه دادم. از برگزاری همایش بزرگداشت مرحوم به شدت خوشحال شد و ضمن تشکر از دعوتش، گفت: «تمام سعی و تلاشم را خواهم کرد تا در این مراسم حضور داشته باشم. تنها مشکل من کلاس‌های تدریس دانشجویانم در دانشگاه است و سعی خواهم کرد تا آن زمان (۲۵ مهر ماه)، کلاس‌ها را به صورت فشرده برگزار نمایم و خودم را به مراسم برسانم.»

### پنج شنبه ۱۳۸۶/۶/۲۲

امروز اولین روز ماه مبارک رمضان است. پس از خوردن سحری و پس از خواندن نماز صبح به سمت دروازه زاهدان رفتم. با تاكسی‌های زرد مسیر خاش - زاهدان، عازم این شهر شدم. با توجه به آماده شدن طراحی پوستر همایش، به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی رفتم تا تاییدیه آنها را بگیرم. در ملاقاتی نیم ساعته با جناب آقای برشان مدیر کل ارشاد استان، وی را در جریان آخرین کارهای همایش قرار دادم. یه سری پیشنهاداتی داشت و تاکید کرد که تغییراتی در طراحی پوستر ایجاد شود و به خصوص آرم اداره کل فرهنگ و ارشاد که در پوستر وجود نداشت! اضافه شود، قرار شد بقیه کارهای همایش را از طریق جناب آقای «فربرز» مسئول امور فرهنگی اداره کل ارشاد پیگیر باشم.

به دفتر آقای فربرز رفتم و در مورد ارائه دهندگان مقالات و سخنرانان همایش گفتگو کردیم و قرار شد خلاصه مقالات و سخنرانی‌ها به صورت مکتوب به اداره کل ارشاد تحویل گردد! در ادامه به شرکت رسا رفتم و چون تصمیم داشتم تیزر همایش با تعداد دفعات بیشتری از تلویزیون پخش شود، با آنها به توافق رسیدم که که تایم تیزر از ۴۵ ثانیه به ۱۵ ثانیه کاهش یابد و تعداد پخش از ۱۲ جلسه به ۲۰ جلسه برسد و هر شب پخش شود. این زمان از ۱۳۸۵/۷/۵ آغاز و تا ۱۳۸۵/۷/۲۴ ادامه داشته باشد. در ادامه به اداره کل میراث فرهنگی هم سری زدم تا بتوانم با مدیر کل میراث فرهنگی (آقای شهرکی) ملاقاتی داشته باشم که متأسفانه به رغم اصرار من، وقت ملاقات حاصل نشد!

## جمعه ۱۳۸۶/۶/۲۳

روز جمعه بود و کار خاصی انجام ندادم. با مولوی صلاح الدین شهنازی تماس گرفتم و گفتم؛ با مولوی احمد نارویی تماس بگیرد و متن سخنرانی اش را به صورت مکتوب آماده کند تا تحویل اداره ارشاد بدهم. به سایر سخنرانان هم زنگ زد تا سخنرانی شان را آماده کنند. شب هم آرم اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان را برای جناب سوری ایمیل کردم تا در طراحی نهایی پوستر همایش گنجانده شود.

## شنبه ۱۳۸۶/۶/۲۴

امروز را با نگرانی زیاد از عدم تحقق حمایت‌های مالی همایش شروع کردم! عصر به شورای شهر خاش رفتم و با اعضای شورا جلسه ای را پیرامون این موضوع برگزار کردیم. راه حل‌های مختلفی برای رفع مشکلات مالی همایش مطرح شد. بالاخره تصمیم گرفتیم برای ۱۰ نفر از خیرین شهر دعوت نامه ای ارسال کنیم تا در عصر روز دوشنبه ۱۳۸۶/۶/۲۶ در محل شورای شهر خاش حضور داشته باشند. البته همه ما به آمدن خیرین و جمع آوری کمک مالی برای همایش به دیده تردید نگاه می‌کنیم!

## یکشنبه ۱۳۸۶/۶/۲۵

اول صبح دعوت نامه‌های خیرین را پخش کردم، به تلفن همراهشان زنگ زدم، تعدادی از آنها سرکارشان و برخی منزل بودند که دعوت نامه‌هایشان را تحویل دادم. به خانم برهانزهی زنگ زدم و تعداد مدعوین میراث فرهنگی را از او خواستم تا بتوانم سرفرصت بلیط برایشان رزرو کنم. هزینه‌های طراحی و چاپ پوستر و هزینه تصویربرداری و عکاسی دو روز همایش لازم بود تا قبل از شروع همایش بتوانم پرداخت کنم، چون ممکن بود بعد از همایش برای پرداخت هزینه‌ها با مشکلاتی مواجه شوم! خانم برهانزهی قول داد که تا شب لیست مدعوین میراث فرهنگی و لیست هزینه‌ها را برام ارسال کند.

در پایان شب مثل همیشه، کارهای امروز را مرور و برنامه‌های فردا را چیدمان کردم. برای خانم کارینا جهانی و آقایان حسن شهرکی و ایوب کرد زنگ زد و بعضی از موارد را با آنها هماهنگ کردم. خانم برهانزهی هم به صورت تلفنی لیست میهمانان میراث فرهنگی و میزان هزینه‌های احتمالی را به من اعلام کرد.

### دوشنبه ۱۳۸۶/۶/۲۶

در این روز، ابتدا به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی رفتم و ساعتی به اتفاق جناب عبدالهی کارهای در دست انجام رو بررسی کردیم. به اتفاق وی برای خیرین زنگ زدیم. تعدادی در شهرستان نبودند و آنهایی که در خاش بودند، قول مساعد برای حضور در جلسه دادند. به مرحوم آبسالان و جناب شهرکی هم زنگ زدیم. قرار شد استاد آبسالان شعرش را و جناب شهرکی خاطراتش را به صورت مکتوب برای من ارسال کنند. به جناب فربرز هم زنگ زدیم و در مورد گزینه‌های انتخاب مجری همایش صحبت کردیم. عصر کمی زودتر به شورای شهر رفتم و به اتفاق ایوب کرد برای خیرین زنگ زدیم تا در جلسه امشب به میزبانی شورای شهر شرکت کنند. پس از ادا نماز مغرب، جلسه شروع شد. علاوه بر اعضای شورا، حدود نیمی از خیرین آمده بودند و قول دادند بزودی مبالغی را به همایش کمک کنند. آخر شب نادر سوری زنگ زد و گفت: «پوسترها چاپ شده و همه را از طریق فرودگاه مهرآباد به زاهدان ارسال کرده‌ام، شما فردا فرودگاه بروید و تحویلشان بگیرید.»

### سه شنبه ۱۳۸۶/۶/۲۷

صبح زود عازم زاهدان شدم، مستقیم به فرودگاه رفتم و سری به قسمت بار زدیم. متأسفانه پوسترها با پرواز ۸ صبح نیامده بود. ناچار شدم برای پرواز بعدازظهر منتظر بمانم. ساعت ۵ عصر مجدد به فرودگاه رفتم و پوسترها را تحویل گرفتم و شب هم در زاهدان ماندم. آخرای شب دکتر محمودزهی تماس گرفت و گفت که هفته آینده منتظر شما در ایرانشهر هستیم.